



## زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر "کار - نان - آزادی، حکومت شورایی"

در صفحه ۳

## علل و تبعات گنجاندن سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی

روز دوشنبه ۱۹ فروردین ۹۸ (۸ آوریل ۲۰۱۹) دونالد ترامپ طی بیانیه ای اعلام کرد که این کشور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست گروه های تروریستی قرار داده است. رئیس جمهور آمریکا در بیانیه خود با تاکید بر اینکه تصمیم فوق با هدایت وزارت خارجه آمریکا بوده است، یادآور شد که دولت آمریکا "این واقعیت را به رسمیت شناخته که ایران نه فقط دولتی حامی تروریسم است، بلکه سپاه پاسداران فعالانه در تامین بودجه آن نقش دارد و از تروریسم به عنوان ابزاری دولتی استفاده می کند". بیانیه ترامپ همچنین تاکید دارد که ظرف یک هفته آینده جزئیات تحریم های ناشی از قرار گرفتن سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام می شود. ساعتی پس از انتشار بیانیه ترامپ، مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا نیز به همراه بریانی هوک، نماینده ویژه امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری حاضر شد و طی توضیحاتی در مورد علل اقدام آمریکا علیه سپاه پاسداران گفت: "انفراط سپاه انقلابی نیستند، دزد هستند. مسئولان فاسدی که از قدرت شان سوء استفاده کرده اند".

اقدام ترامپ در قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست گروه های تروریستی که اولین و فوری ترین پیامد آن اعمال یک رشته تحریم های گسترده و تازه علیه سپاه پاسداران و به طرق اولی علیه جمهوری اسلامی است، واکنش های تند و تهدیدآمیز هیات حاکمه ایران را برانگیخت. مسئولان جمهوری اسلامی از خامنه ای گرفته تا حسن روحانی، از جواد ظریف تا محمد علی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران، از "اصلاح طلب" تا "اصول گر" از نمایندگان مجلس و علی لاریجانی رئیس مجلس ارتجاع اسلامی تا ارتش جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی مسئول قوه قضائیه تا روزنامه کیهان همه را به واکنش ها و شعارهای تهدید آمیز علیه

در صفحه ۲

## خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۴

## کمیته های مردمی ارزیابی خسارات را تشکیل دهیم



در صفحه ۵

روز جمعه ۲۳ فروردینماه، باز هم اداره هواشناسی درباره امکان بارش های رگباری از روز شنبه و افزایش شدت بارش ها در برخی از استان ها در روز یکشنبه هشدار داد. این هشدار در حالیست که هنوز برخی از این مناطق از پیامدهای سیلاب هایی که از اوایل فروردین جاری شدند، رهایی نیافته اند. سیلاب هایی که تاکنون جان ۷۶ تن را گرفته، صدها روستا را به زیر آب برد، ده ها هزار خانه را ویران کرد، صدها هزار نفر از مردم را آواره و بی خانمان کرد، مزارع و دام های روستاییان را از بین برد و به زیرساخت ها خسارات عمده ای وارد کرد و جان ده ها تن را گرفت و صدها مصدوم بر جای گذاشت.

## چشم انداز اوضاع اقتصادی تیره تر است

در صفحه ۱۰

## سیر قهقرایی آموزش و تحصیل در مدارس و ضرورت به زیر کشیدن قهری نظم موجود

وضعیت تحصیل و آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی به غایت وخامت یار است. سیاست های اقتصادی و فرهنگی تاریک اندیشانه که ۴۰ سال با اعمال دیکتاتوری و استبداد مذهبی، در حین غارت ثروت های مادی جامعه، یک دم از اشاعه خرافات مذهبی و ضدیت با فرهنگ و آموزش پیشرو و مترقی باز نایستاده و آموزش و پرورش را به قهقرا برده است. ۴۰ سال بعد از استقرار حاکمیت ارتجاع مذهبی، هنوز میلیون ها تن از مردم ایران حتا سواد

در صفحه ۶



## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## علل و تبعات گنجاندن سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی

نیروهای نظامی آمریکا در سطح منطقه واداشت. اولین واکنش رسمی جمهوری اسلامی، انتشار بیانیه ای از طرف شورای عالی امنیت ملی به ریاست حسن روحانی بود. شورای عالی امنیت ملی که بالاترین نهاد امنیتی و تصمیم گیرنده در جمهوری اسلامی است، با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: "رژیم ایالات متحده را دولت حامی تروریسم و فرماندهی مرکزی آمریکا موسوم به سنتکام و تمامی نیروهای وابسته به آن را گروه تروریستی می داند". تا اینجا مسئله به نظر می آید که آمریکا و جمهوری اسلامی با انتشار دو بیانیه جداگانه، اولی در گنجاندن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه های تروریستی و دومی با اطلاق اینکه "فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه غرب آسیا موسوم به سنتکام و تمامی نیروهای وابسته به آن را گروه تروریستی می داند"، در مقابل هم صف آرایی کرده اند. یک رو در روی آشکار که گویا ممکن است یک رشته اقدامات نظامی متقابل علیه یکدیگر را به همراه داشته باشد.

این ها همه ظاهر مسئله هستند که طی چند روز گذشته بازتاب شدید رسانه ای داشته اند. برای روشن شدن موضوع لازم است دانسته شود که آمریکا چرا و با کدام هدف سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را در لیست گروه های تروریستی قرار داده است؟ این اقدام ترامپ چه عواقبی برای سپاه پاسداران و به طریق اولی چه پیامدهایی برای هیات حاکمه ایران به لحاظ اقتصادی دارد؟ آیا این تصمیم آمریکا می تواند به عنوان اعلام جنگ علیه جمهوری اسلامی تلقی شود؟

تا پیش از این آمریکا گروه های متعددی را در فهرست سازمان های تروریستی خود قرار داده است، اما این اولین بار است که دولت این کشور یک نیروی نظامی رسمی و دولتی را در لیست گروه های تروریستی قرار می دهد. اقدام جدید آمریکا اگرچه تصمیمی غیر متعارف و بی سابقه بوده است، با این همه این تصمیم آمریکا را باید در ادامه سیاست ترامپ در اعمال فشار حداکثری به جمهوری اسلامی در سطح منطقه و جهان دانست، نه چیزی فراتر و یا تصور یک رو در روی نظامی. تغییر سیاست خارجی هیات حاکمه ایران از طریق اهرم های اقتصادی - سیاسی و اعمال فشارهای حداکثری بر جمهوری اسلامی، عاجل ترین و اصلی ترین هدف ترامپ در مواجهه با رژیم جمهوری اسلامی است. بر کسی پوشیده نیست که سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی تماما بر اساس یک رشته اقدامات پان اسلامیستی و توسعه طلبانه در سطح منطقه و جهان پایه ریزی شده است. سیاستی ارتجاعی، مخرب و مداخله گرانه که طی چهار دهه گذشته عملا به رفتار ذاتی جمهوری اسلامی در بیرون از مرزها تبدیل شده است. پیشبرد این سیاست

توسعه طلبانه از همان آغاز تا به امروز به جدالی بی فرجام میان جمهوری اسلامی با آمریکا، کشورهای عربی منطقه و به درجاتی خفیف تر با اتحادیه اروپا تبدیل شده است. خروج ترامپ از توافق برجام و پیامد آن اعمال مجدد تحریم های نفتی و بانکی به منظور تغییر رفتار و بازدارندگی جمهوری اسلامی از سیاست های پان اسلامیستی و توسعه طلبانه در سطح منطقه همان هدفی است که ترامپ و کابینه او پیگیرانه به دنبال آن هستند. ترامپ از روزی که به کاخ سفید راه یافت، همواره بر تروریست بودن مجموعه سپاه پاسداران تاکید داشت. چرا که به زعم او و کابینه اش، سپاه پاسداران "ابزار اصلی دولت ایران برای هدایت و به کارگیری فعالیت های تروریستی خود در دنیا" است. علاوه بر این، اقتصاد ایران نیز سال ها است که با نام سپاه پاسداران گره خورده است. اینکه سپاه پاسداران تا چه میزان در اقتصاد ایران سهم دارد، آمارهای متفاوتی تاکنون ارائه شده است. آنچه مسلم است سپاه پاسداران در قالب بنیاد تعاون سپاه و قرارگاه های سازندگی اکنون به عنوان یک عامل مهم اقتصادی ایران در بخش های مختلف نفت، گاز، معادن بزرگ، بازرگانی خارجی، مسکن، کشاورزی، کشتیرانی و ترابری فعالیت می کند و در سال های اخیر به فعالیت بانکداری هم مشغول شده است. قرارگاه خاتم الانبیا از جمله نهادهای اقتصادی اختاپوسی این نهاد نظامی است که بزرگترین شرکت بالاسری پیمانکاری در اقتصاد ایران محسوب می شود. بنابر این با توجه به موقعیت نظامی و اقتصادی سپاه در جمهوری اسلامی، هدف دولت آمریکا از قرار دادن سپاه پاسداران در لیست سازمان های تروریستی یک اقدام جدید در راستای ادامه همان سیاست اعمال فشار حداکثری اقتصادی و سیاسی بر هیات حاکمه ایران برای تغییر رفتار و عقب نشینی از اقدامات تهاجمی در بیرون از مرزها است.

به زعم ترامپ و با وجود اینکه آمریکا تاکنون تحریم های گسترده ای را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده است، اما بخشی از این تحریم های نفتی و بانکی به دلیل نقشی که سپاه پاسداران در اقتصاد ایران داشته و دارد، به نوعی بی اثر بوده است. شرکت هایی از کشورهای همسایه و یا در سطح جهانی تا پیش از این، اگر با جمهوری اسلامی وارد معاملات تجاری، اقتصادی و سرمایه گذاری می شدند، مستثنا از اینکه طرف قرارداد آنها سپاه پاسداران باشد با دولت و یا دیگر بخش های خصوصی باشد، برایشان چندان توفیری نداشت. در وضعیت گذشته، روابط تجاری و مناسبات اقتصادی آنها با ایران در صورت اثبات دور زدن تحریم ها، در نهایت با تنبیهات تحریمی و بانکی آمریکا مواجه می شد. اکنون اما وضع کاملا متفاوت است. با قرار

گرفتن نام سپاه در لیست گروه های تروریستی و نقشی که سپاه پاسداران در اقتصاد ایران و ایجاد شرکت های متعدد صوری برای دور زدن تحریم ها داشته و دارد، اکنون دیگر کشورها و شرکت های طرف معامله با جمهوری اسلامی از آنجاییکه مطمئن نیستند طرف قراردادشان کیست، ترجیح می دهند ریسک نکنند. چرا که در صورت اثبات هرگونه رد پایی از نقش سپاه در قراردادهای اقتصادی، تجاری و سیاسی فی مابین کشورها و شرکت های خارجی با جمهوری اسلامی، این شرکت ها علاوه بر تنبیهات تحریمی با خطر اتهام همکاری با یک سازمان تروریستی نیز مواجه اند. خطری که ریسک پذیری هرگونه روابط اقتصادی با ایران را برای کشورهای همسایه و شرکت های خارجی بسیار بالا برده است.

در واقع هدف دولت آمریکا از اقدام فوق، همان اعمال فشار حداکثری بر اقتصاد جمهوری اسلامی جهت عقب نشینی و کشاندن دولت ایران به پای میز مذاکره جهت مصالحه است. نکته ای که برابیان هوک، مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا به روشن ترین وجه ممکن آن را توضیح داده است. برابیان هوک، طی یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز که همزمان با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان های تروریستی منتشر شد، نوشت: "ایران باید با آمریکا مصالحه کند". "آمریکا آماده تعامل با دولت ایران بر اساس احترام متقابل و دست یابی به منافع مشترک است". اما برای رسیدن به این هدف "حکومت ایران باید تصمیم بگیرد که می خواهد یک کشور به هنجار باشد، و نه یک جریان انقلابی". پس تا اینجا قضیه، کاملا روشن است که هدف آمریکا از گنجاندن نام سپاه پاسداران کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره برای مصالحه بر سر سیاست خارجی این رژیم است، نه چیزی بیشتر.

با این همه، از آنجایی که جمهوری اسلامی فاقد هرگونه ابزار سیاسی و اقتصادی برای مقابله به مثل با اقدامات تحریمی و اقتصادی دولت آمریکا در گنجاندن سپاه پاسداران در فهرست سازمان های تروریستی است، طی روزهای گذشته تبلیغات گسترده ای را برای ضربه زدن به نیروهای نظامی آمریکا در منطقه براه انداخته است و می خواهد اذهان عمومی را به سمت خطر حتمی یک درگیری نظامی هدایت کند. اینگونه اقدامات تبلیغاتی دستگاه های متعدد جمهوری اسلامی در روزهای پیش از صدور بیانیه ترامپ، با هدف تاثیرگذاری و ممانعت از اقدام دولت آمریکا بود. در روزهای بعد هم آنگونه که روزنامه کیهان خامنه ای بر آن تاکید داشته با هدف تاثیرگذاری بر کنگره آمریکا جهت ممانعت از تصویب اقدام جدید دولت آمریکا بوده

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه برانداخت**



## زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر "کار - نان - آزادی، حکومت شورایی"

### رفقای کارگر!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی جهانی کارگران، بر شما در هر کجای جهان خجسته باد! وضعیت کنونی دنیای معاصر بیانگر این ضرورت تاریخی است که نظام سرمایه‌داری باید برچیده شود، نظم کهنه باید جای خود را به نظمی نوین، نظمی سوسیالیستی بپردازد. این واقعیت سال از پی سال بیش از پیش آشکار می‌گردد. از بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری که سال‌هاست ادامه دارد تا بدتر شدن وضعیت معیشتی کارگران حتا در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری در سال‌های اخیر و افزایش بیکاری. از افزایش شکاف طبقاتی که مدام عمیق‌تر می‌شود، تا گسترش فقر و نابودی محیط زیست و طبیعت. از جنگ‌های بی‌شماری که سالانه ده‌ها میلیون آواره و صدها هزار قربانی می‌گیرند که کودکان و دیگر غیرنظامیان از جمله بزرگترین قربانیان آن‌ها هستند تا گرسنگانی که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و امروز صدها میلیون انسان را در بر می‌گیرد. در همه جا از و ولع طبقه‌ای دیده می‌شود که تنها ارزش و معیار اخلاقی برای آن کسب سود بیشتر است و "آزادی" عمل برای تحقق آن و برای رسیدن به سود بیشتر هیچ مرز و محدودیتی نیز برای خود قائل نیست. طبقه‌ای که مسبب تمامی فجایع تاریخ امروزی بشر است، طبقه سرمایه‌دار.

### رفقای کارگر!

در ایران نیز ما شاهد عظیم‌ترین فجایعی هستیم که طبقه حاکم سرمایه‌دار به بار آورده است. مناسبات سرمایه‌داری در ایران یکی از وحشیانه‌ترین و خشن‌ترین اشکال خود را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به نمایش گذاشته است. جمهوری اسلامی به‌عنوان نماینده سیاسی طبقه سرمایه‌دار، در طول این سال‌ها با اتخاذ سیاست اقتصادی نئولیبرال، از هیچ کوششی برای بالا بردن سود سرمایه‌داران فرو نگذاشته است. بیکاری بیش از ده میلیون نفر و رانده شدن کارگران و دیگر زحمتکش‌ان جامعه به زیر خط فقر، از جمله نتایج همین سیاست‌هاست. فاصله طبقاتی در ایران تمام مرزهای پیشین را در نور دیده و در برابر چشمان حیرت‌زده بیش از ۹۰ درصد جامعه، اقلیتی چند درصدی در رفاه و آسایشی بسر می‌برند که در کمتر کشوری در جهان معاصر دیده می‌شود. رفاه و ثروتی که بر شانه‌های کارگرانی استوار است که خود در منجلاب فقر گرفتارند. کارگرانی که تولیدکننده تمام ارزش‌ها هستند.

در تمام این سال‌ها، جمهوری اسلامی به بهانه‌های مختلف به سرکوب مداوم دستمزدهای کارگری پرداخت و با تصویب قوانینی ضد کارگری، عملاً تلاش کرد تا شرایطی بدتر از دوران برده‌داری را به کارگران تحمیل کند، شرایطی که در آن خانواده‌های کارگری محکوم به گرسنگی شده‌اند. به موازات آن جمهوری اسلامی با سرکوب تشکلهای کارگری و کمونیست‌ها به عنوان یگانه مدافعان واقعی طبقه کارگر، تلاش کرد تا کارگران را در پراکندگی و بی‌تشکلی نگاه دارد. رژیم به‌خوبی می‌دانست که کارگران در صورتی که تشکلهای سیاسی و صنفی خود را داشته باشند، هرگز نخواهد توانست این شرایط اسفبار را به طبقه کارگر ایران تحمیل کند.

### رفقای کارگر!

واقعیت امروز اما این است که شرایط به نفع طبقه کارگر و علیه طبقه حاکم سرمایه‌دار در حال تغییر است. رژیم جمهوری اسلامی در تمامی عرصه‌ها با بن‌بست روبرو شده و فساد سرتاپای نظام حاکم را در بر گرفته است. در همین حال و در پی شکست‌های متعدد، ناامیدی از بقای حکومت در میان سران و بدنه رژیم در حال گسترش است و در سوی دیگر، جنبش‌های اجتماعی و در راس آن‌ها، جنبش کارگری به پیشرفت مداوم خود ادامه می‌دهند. بن‌بست نظام سرمایه‌داری و جمهوری اسلامی بویژه در عرصه اقتصادی، خود را بیش از دیگر عرصه‌ها نشان داده، به‌نحوی که سران رژیم نیز از بن‌بست اقتصادی به‌عنوان بزرگترین معضل جمهوری اسلامی نام می‌برند. بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری ایران که در اثر تشدید تضادها و عوامل متعدد اقتصادی و سیاسی، مدام عمیق‌تر شده است، در سال گذشته به آن‌چنان مرحله‌ای رسید که حتا برخی از اقتصاددانان جمهوری اسلامی نرخ تورم سه رقمی را پیش‌بینی کرده و هشدار دادند که در سال آینده (سال جاری) اقتصاد با بحران اقتصادی رکود - تومی ژرف‌تری روبرو خواهد بود. ورشکستگی موسسات مالی و بانک‌ها یک نمونه دیگر است که رژیم را مجبور ساخت تا برای جلوگیری از فروپاشی سیستم بانکی، تمامی بانک‌های ورشکسته نظامی را در بانک دولتی سپه ادغام کند.

مجموعه شرایط کنونی از جمله بیکاری، رکود، تورم، ورشکستگی نهادهای مالی و فساد، همه نمادهای وضعیتی هستند که ثابت می‌کند شرایط کنونی قابل دوام نیست و باید تغییراتی در اساس مناسبات کنونی صورت گیرد. این تغییرات جز یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر نخواهد بود. گذشت سال‌ها و بدتر شدن شرایط از جمله وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکش‌ان و چشم‌انداز تیره سال جاری، به همگان نشان داده است که راهی جز یک انقلاب اجتماعی، برقراری حکومت شورایی و استقرار سوسیالیسم، برای رهایی از تمامی مصائبی که نظام سرمایه‌داری در ایران بوجود آورده، و یکی از مصائب آن بر سر کار آمدن رژیم فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی است، وجود ندارد.

### رفقای کارگر!

بن‌بست جمهوری اسلامی اما تنها در عرصه اقتصادی نیست. در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز ناتوانی رژیم بر همه کس آشکار شده است. جدا از گسترش اسفبار نابسانمانی‌های اجتماعی که در سایه گسترش فقر و بیکاری منجر به زندانی شدن حداقل ۲۰۰ هزار نفر شده و بخش بسیار مهم جامعه را در حاشیه شهرها به تباهی کشانده است، رژیم در عرصه سیاست خارجی نیز با بن‌بست روبرو شد. نه تنها از "برجام" چیزی باقی نماند، بلکه تضادهای جمهوری اسلامی با دولت‌های امپریالیست آمریکایی و اروپا و اغلب دولت‌های مرتجع منطقه به مرحله‌ای بحرانی رسید.

اما بزرگترین بن‌بست رژیم در عرصه سیاسی، ناتوانی در مقابله با گسترش و تعمیق جنبش انقلابی توده‌ها بود که در سال گذشته طبقه کارگر نقش بسیار پر رنگی در آن داشت و نه فقط دستاوردهای بزرگی برای جنبش کارگری به‌همراه آورد، بلکه توانست به دلیل نقش و رسالت طبقه کارگر، در دیگر بخش‌های جامعه نیز تأثیراتی شگرف از خود بر جای گذارد.

کارگران ایران اگر چه در سال‌های گذشته نیز بیشترین حجم از اعتراضات توده‌ای را به خود اختصاص داده بودند، اما سال گذشته طبقه کارگر ایران با برافراشتن پرچم "حکومت شورایی" به یکی از مهم‌ترین سوالات پیشروی جنبش انقلابی پاسخ داد و آن را در تمامی سلول‌های جامعه گسترش داد. طبقه کارگر با پیشرفت عظیمی که در مبارزات توده‌ها بوجود آورد، نقش و رسالت خود را در انقلاب آینده به اثبات رساند.

پیش از این توده‌ها در اعتراضات خود با شعارهایی چون "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه‌ای" و غیره خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی

**زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر  
"کار - نان - آزادی، حکومت شورایی"**

شده بودند، اما این که چه چیزی باید جایگزین "جمهوری اسلامی" شود، روشن نبود و در شعارهای توده‌ها انعکاس نداشت. اگرچه در برخی از اعتراضات شعارهای موهومی در این رابطه داده شده بود، اما به دلیل همان موهوم بودن و پاسخ ندادن به خواست معترضان هرگز نتوانست فراگیر شود.

اما وقتی که کارگران هفت‌تپه پرچم شوراها را برافراشتند و شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" را سر دادند، این شعار به سرعت در همه جا فراگیر شد. از بازنشستگان و معلمان تا دانشجویان، در همه جا برپایی شوراها به عنوان یک ضرورت عاجل و فوری مطرح شد.

شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، که بیان فشرده‌ای از مبرمترین مطالبات اقتصادی و سیاسی عموم توده‌های کارگر و زحمتکش است، بدیل طبقه کارگر را برای دگرگونی نظم موجود، در برابر همگان قرار داد و به سرعت در جامعه فراگیر شد. این آلترناتیو دقیقاً از آن رو نتوانست فراگیر شود که تنها آلترناتیو واقعی و تنها پاسخ واقعی برای تحقق فوری‌ترین مطالبات کارگران و زحمتکشان و حل معضلات جامعه است.

سازمان فدائیان (اقلیت) با تبریک اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران، طبقه کارگر ایران را فرامی‌خواند تا در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در همبستگی با کارگران سراسر جهان، دست از کار کشیده، کارخانه‌ها را تعطیل کنند و با برپایی تجمع‌ها و تظاهرات در خیابان‌ها با شعار "کار - نان - آزادی، حکومت شورایی" اول ماه مه را به روز نبرد قطعی برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران تبدیل کنند.

**زنده باد اول ماه مه روز  
همبستگی جهانی کارگران**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۲۶ فروردین ۱۳۹۸**

**کار - نان - آزادی - حکومت شورایی**



**علل و تبعات گنجاندن  
سپاه پاسداران در لیست  
سازمان های تروریستی**

است. از این رو به نظر می آید که هم دولت آمریکا و هم هیات حاکمه ایران بیش از همه به خطرات غیر قابل پیش بینی اقدامات نظامی علیه نیروهای یکدیگر در منطقه واقف اند. در این میان، جمهوری اسلامی دست کم با روی کار آمدن ترامپ از هرگونه اقدامات تحریک آمیز نظامی از جمله نزدیک شدن قایق های تندرو سپاه به ناوهای آمریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز تا کنون پرهیز کرده است. اقداماتی که در دوران باراک اوباما به کرات صورت می گرفت. چرا که هر دو طرف نزاع به خوبی بر این امر واقف اند که ورود به جنگ و درگیری های نظامی با توجه به شرایط حساس منطقه و بحرانی که هر دو کشور با آن مواجه هستند، به این سادگی ممکن نیست و طرفین نزاع از عواقب غیر قابل پیش بینی چنین اتفاقی محاسبات دقیق و جدی دارند.

پوشیده نیست که، نزاع چهار ساله میان آمریکا و جمهوری اسلامی یک نزاع کاملاً ارتجاعی است. جمهوری اسلامی و دولت آمریکا هر دو دشمن مردم ایرانند و سیاست های هر دو دولت برای توده های زحمتکش مردم ایران تاکنون فجایع بسیاری به بار آورده است. از این رو روشن است که ماهیت ارتجاعی این دولت ها و سیاست های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه آن ها است که به این نزاع و تحریم دامن زده است. با این توضیح، روشن است که وظیفه کارگران و عموم توده های مردم هر کشور، دفاع از این یا آن دولت نیست، اما وظیفه آنان در گام نخست، مبارزه علیه دولت خودی و سیاست های آن است. این وظیفه کارگران و زحمتکشان آمریکایی است که علیه دولت خودشان و برای برانداختن آن تلاش کنند. وظیفه کارگران و زحمتکشان ایران هم مقدم بر هر چیز مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و تلاش برای سرنگونی آن است. وظیفه سازمان ما به عنوان یک سازمان کمونیست انقلابی که از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع می کند، این است که در جنگ و نزاع میان دو دولت ارتجاعی، عموم توده های مردم ایران را به سرنگونی دولت خودی فرا بخواند. کارگران و زحمتکشان ایران باید همانگونه که تاکنون با مبارزات و شعارهای خود در کارخانه و خیابان نشان داده اند، دست رد بر طرفداران هر دو طرف این نزاع و درگیری بزنند و برای رهایی از تمام فجایعی که جمهوری اسلامی و تحریم های امپریالیستی در ایران به بار آورده است، مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگان و زحمتکشان ایران تشدید کنند.

**زنده باد سوسیالیسم**

**خلاصه ای از  
اطلاعیه های سازمان**

کمیته خارج کشور سازمان در تاریخ ۱۳ آوریل اطلاعیه‌ای تحت عنوان "دستگیری آسانژ، بنیانگذار ویکی‌لیکس را محکوم می‌کنیم" انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است: "با دستگیری جولیان آسانژ توسط اسکاتلندیارد، پلیس امنیتی انگلیس، در روز پنجشنبه ۱۱ آوریل، جهان سرمایه‌داری بار دیگر چهره‌ی کزیه سرکوبگر خود را از پشت ماسک آزادی سیاسی، آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات، نمایان کرد. جولیان پاول آسانژ، سخنگو و بنیانگذار ویکی‌لیکس در روز پنجشنبه در سفارت اکوادور در لندن توسط پلیس دستگیر شد. او هفت سال پیش، پس از آن که دادگاهی در انگلستان حکم استرداد او را به سوئد صادر کرد به این سفارت پناهنده شده بود، زیرا بیم آن را داشت که سوئد او را به آمریکا تحویل دهد. پیش و پس از پناهندگی، انواع و اقسام اتهامات از سوی دولتهای مختلف به وی زده شد. وزارت دادگستری آمریکا او را متهم به سرقت اطلاعات طبقه‌بندی شده کرد. در سوئد به او اتهام تجاوز زده شد و انگلستان وی را به جرم نقض مقررات وثیقه و آزادی مشروط تحت تعقیب قرار داد. آسانژ هفت سال در این سفارت در شرایطی که دست کمی از زندان نداشت، زندگی کرد، اما با انتشار اسنادی در مورد فساد مالی رئیس جمهور وقت اکوادور، این دولت هم در زمره دشمنان آسانژ قرار گرفت و او را به پلیس تحویل داد."

"آنچه بدیهی است، در میان این اتهامات گوناگون، مهم‌ترین "جرم" آسانژ، فاش کردن اسنادی در مورد فسادهای مالی، توطئه‌های نظامی و زدوبندهای سیاسی است، که مسلماً "محرمانه" هستند و بایستی از چشم عموم مردم پنهان بمانند. ویکی‌لیکس یکی از معدود امکاناتی در دنیای مجازی است که به کاربران، امکان دسترسی به چنین اطلاعاتی، هر چند محدود، را می‌دهد.

این که جهان سرمایه‌داری کنونی، با گام‌های سریع، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی را که دستاورد مبارزات طولانی و پیگیر جنبش‌های مردمی در طول تاریخ بوده است، لگدمال می‌کند، تنها به این دلیل است که به مناسبات طبقاتی، استثمارگرانه و غیرانسانی کنونی استمرار بخشد و بزرگترین مانع و خطر در این راه، آگاهی است. چرا که بهترین حالت برای حفظ نظام سرمایه‌داری، زمانی است که توده‌های مردم در ناآگاهی و تحت تاثیر دستگاه تبلیغاتی وسیع بورژوازی سلطه‌ی طبقه‌ی حاکم را بی‌چون و چرا بپذیرند و بدون علامت سالی در ذهن، بدیهی بپندارند.

کمیته‌ی خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) اقدام سرکوب‌گرانه‌ی دستگیری آسانژ را به شدت محکوم می‌کند و تمام آزادی‌خواهان و نیروهای انقلابی را به اعتراض به سرکوب و خفقان و مبارزه با محدودسازی آزادی و مطبوعات و رسانه‌ها و آزادی دسترسی به اطلاعات فرامی‌خواند."

## کمیته‌های مردمی ارزیابی خسارات را تشکیل دهیم



امدادگران مردمی و معرفی دست کم ۲۴ نفر به دستگاه قضایی به اتهام "پخش شایعه درباره سیل".

باری، از همان روزهای اول سیل، به جز اخبار دروغ درباره امدادسانی به مناطق سیل‌زده، سران جمهوری اسلامی وعده و وعید به سیل‌زدگان مبنی بر پرداخت خسارت را آغاز کردند تا مردم خشمگین از بی‌کفایتی و بی‌لباقی و دزدی و چپاول سران رژیم را آرام سازند. مردمی که شاهدند به رغم تبلیغات و ادعاهای دروغین سران و مسئولان درباره "امدادسانی" تنها برای گرفتن "سلفی" و "ژست‌های انتخاباتی و تبلیغی" به منطقه می‌آیند، بی آن که دردی از دردهای آنان را دوا کنند. این شرایط مردم را به خشم آورده است. مردمی چنان خشمگین که نه تنها در کلیپ‌ها و گزارشات‌شان، بلکه مستقیماً و رودرروی آخوندها و مسئولین دولتی و سپاهی و ارتشی و مجلس‌نشینان، بی آن که ابا یا هراسی داشته باشند، باران دشنام را نثارشان کنند.

آنان وعده کمک‌های بلاعوض و وام می‌دهند. "کمک‌های بلاعوض" ناچیز و مضحکی که با توجه به سطح تورم کنونی به زحمت کفاف هزینه‌های یک ماه خانواده‌هایی را می‌کند که حتا سقفی بر بالای سر و لباسی بر تن و نانی در سفره ندارند. و وام‌هایی که قرار است با بهره بازپس داده شوند، آن هم توسط مردمی که پیش از این نیز به زحمت از پس هزینه‌های معاش‌شان برمی‌آیند، چه رسد به حالا که بیکار گشته‌اند، دام‌های‌شان غرق شده یا زمین‌هایشان به برکه و چالاب بدل گشته است.

تازه اگر، همین وعده‌ها نیز امکان تحقق می‌داشتند. چرا که از هم اکنون می‌گویند پولی در بساط نیست و چشم به "صندوق توسعه ملی" دوخته‌اند که کلیدش نزد خامنه‌ای است. او هم که پیش‌تر از این صندوق به سپاه و نیروهای سرکوب و مفت‌خوران روحانی دست و دل‌بازانه بدل و بخشش می‌کرد، در پاسخ به نامه رئیس جمهور، "موافقت ضمنی" خود را به شرط "جمع‌بندی دولت" مبنی بر لزوم برداشت از منابع صندوق اعلام کرده است.

اما مردم نه تنها به دلیل آنچه بر سرشان رفته و می‌روند خشمگین‌اند، آنان از آینده‌ای خشمگین‌اند که در انتظارشان است. چرا که می‌دانند تمامی این وعده و وعیدها دلخوش‌کنکی بیش نیستند. می‌دانند سیل که فرونشیند، آنان می‌مانند با خروارها گل و لای خشک شده به جای خانه‌ها و روستاها و مزارع و کارگاه‌های پیشین. آنان می‌مانند با اسباب و اثاثیه‌ای مدفون در زیر گل که امکان تهیه مجدد آن‌ها را ندارند.

این مردم باید هم خشمگین باشند، چرا که سران رژیم به ویژه سران سپاه نه تنها عامل بروز این فجایع هستند، بلکه بر زخم مردم نمک هم می‌پاشند. ۲۴ فروردین در خبرها اعلام شد، کاروانی متشکل از نیروهای "حشدالشعبی" ظاهراً برای "امدادسانی" وارد ایران شده‌اند. همان نیرویی که با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی سپاه پاسداران، در عراق تشکیل شده است، یعنی به پشتوانه پول‌هایی که سپاه از دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران به غارت برده است و برای تجهیز و تسلیح اسلام‌گرایان مرتجع عراق هزینه کرده است. اسلام‌گرایانی که حتا برای مردم عراق ویرانی و مرگ به بار آورده‌اند و نزد

بحران‌ی که نه تنها در سالیان پیش هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای از جمله رعایت حریم رودخانه‌ها، لایروبی رودها، ایجاد مسیل‌ها و ساخت زیرساخت‌های مقاوم نکرده بود، بلکه با سیاستی سودجویانه و غارت‌گرانه امکانات پیشین را نیز از بین برده بود.

"مدیریت بحران"ی که با وجود هشدارهای هواشناسی و بروز نشانه‌های بروز سیل، حتا آمادگی لازم برای اقدامات اولیه برای مقابله با وضعیت را نداشت. حتا اطلاع‌رسانی نیز کافی نبود، چه رسد به آن که برای ده‌ها هزار نفری که به آن‌ها "دستور" تخلیه می‌داد، سرپناهی فراهم آورد یا حداقل به آن‌ها بگوید به کجا بروند. و بعد از سیل این "مدیریت بحران" طلبکار بود که خود مردم به هشدارها و دستورها بی‌اعتنایی کردند.

"مدیریت بحران"ی که حتا پس از بروز سیل، از تهیه و توزیع امکانات اولیه نظیر چادر و مواد غذایی و بهداشتی عاجز بود و هست. چنین "مدیریت بحران"ی مدعی است که طی چند روز خسارات وارده به مناطق سیل‌زده را ارزیابی کرده و تخمین زده است. البته هنوز هم مشخص نیست چند درصد از همین خسارات تخمینی، خسارات وارده به خانه و کاشانه و لوازم زندگی مردم است و چند درصد به زیرساخت‌ها از جمله جاده‌ها و پل‌ها و ریل‌ها و تأسیسات و تسهیلاتی همچون آب و برق و مخابرات بازمی‌گردد.

نهادهای دیگر حکومتی نیز تخمین‌هایی زده‌اند، اما ارزیابی‌های آن‌ها نیز بهتر از ارزیابی "مدیریت بحران" جمهوری اسلامی نمی‌تواند باشد. گرچه از "مدیریت بحران" جمهوری اسلامی بیش از این نیز نمی‌توان انتظار داشت، چرا که "مدیریت بحران" تابعی از مدیریت کلان کشور است. یعنی زمانی که کشوری با سرکوب اداره می‌شود، "مدیریت بحران" نیز به تبع آن سرکوب‌گرانه و پلیسی خواهد بود. از همین رو نیز اولین مقامی که به مناطق سیل‌زده رفت، وزیر اطلاعات بود و در پی او، سیل سران سپاه و ارتش و آخوندهایی که راهی مناطق سیل‌زده شده‌اند. حاصل کار این گسیل‌شدگان اگر در زمینه "امدادسانی" هنوز نامشخص است، اما در زمینه دستگیری و سرکوب کارنامه روشنی دارند: دستگیری چند تن از مردم سیل‌زده و

طبق ارزیابی سازمان "مدیریت بحران" تنها تا ۱۸ فروردین، ۱۵ هزار میلیارد تومان خسارت مالی وارد آمده است. وزارت راه و شهرسازی نیز اعلام کرده است، تا ۱۸ فروردین، ۱۵۱ هزار خانه آسیب دیده‌اند که از این تعداد ۵۴ هزار خانه به کلی تخریب شده‌اند. آماري که هنوز گویای عمق فاجعه و ویرانی برجای مانده از سیلاب‌ها نیستند، زیرا این سیلاب‌ها در برخی مناطق ادامه دارند و برخی مناطق دیگر در خطر وقوع سیلاب هستند.

از آن گذشته هنوز مناطقی هم چنان غیر قابل دسترس هستند و عدم کمک‌رسانی مناسب به سیل‌زدگان نیز در افزایش میزان خسارات جانی و مالی نقش خواهند داشت. کلیپ‌ها و گزارشاتی که از مناطق سیل‌زده انتشار می‌یابد، همه حاکی از آن است که به رغم گذشت روزها، در برخی از مناطق حتا هنوز چادر و مواد غذایی توزیع نشده‌اند. در این کلیپ‌ها و گزارشات، برخی می‌گویند مأمونی ندارند تا از سرمای شب به آن پناه ببرند، تعدادی می‌گویند مراکز کمک‌رسانی دولتی از آن‌ها در برابر دریافت چادر پول طلب کرده‌اند، و عده‌ای دیگر از فروش چادرهای هلال احمر در بازار سیاه حرف می‌زنند. در این کلیپ‌ها، مردان و زنانی دیده می‌شوند که حتا به مواد غذایی کافی یا آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند.

غمانگیزتر آن که این فاجعه بر مردمی رفته که پیش از این نیز از تهیدستان و محرومان جامعه به شمار می‌رفتند، و در مناطقی سکنا داشتند که از محروم‌ترین مناطق کشور بودند، یعنی مناطق حاشیه‌ای و روستایی واقع در محروم‌ترین استان‌های ایران از جمله گلستان، لرستان و سیستان و بلوچستان و خوزستان. مناطقی که پیش از این فقر در آن‌ها بیداد می‌کرد و اکنون حتا دیگر کلمه "فقر" نیز گویای حال و روزشان نیست. چرا که هم‌هی هست و نیست‌شان در زیر خروارها گل و لای مدفون گشته است. این مردم، کارگرانی هستند که کارشان را بر اثر ویرانی کارگاه‌ها و مراکز تولیدی از دست داده‌اند، روستاییانی که زمین‌های کشاورزی و دام‌ها و طیورشان نابود شده‌اند، خرده کسبه‌ای که مغازه‌های کوچکشان ویران شده است.

اکنون "مدیریت بحران" جمهوری اسلامی آماري از خسارات ارائه می‌دهد. "مدیریت

## سیر قهقرایی آموزش و تحصیل در مدارس و ضرورت به زیر کشیدن قهری نظم موجود



دستگاه سرکوب و نهادهای تحمق معنوی توده‌ها فوق‌العاده دست و دل باز است. برای نمونه، سرانه هر دانش‌آموز تنها ۲۵ هزار و ۸۰۰ تومان است. تمام بودجه‌ای که به نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس اختصاص یافته، حدود یک هزار و ۹۷۴ میلیارد تومان است. حال آن‌که مطابق گزارش ایرنا (مورخ ۹/۳/۹۷) برای بازسازی مدارس فرسوده یا احداث مدارس جدید در مناطق محروم به ۴۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز هست. اختصاص بودجه اندک برای نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس در حالی است که تنها به سازمان بسیج و نیروی انتظامی حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته است. افزون بر این در بودجه سال ۹۸، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۰۴۲ میلیارد تومان، سازمان تبلیغات اسلامی ۳۴۶ میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۳۰۶ میلیارد، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۳۲۰ میلیارد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۵۰ میلیارد، قرارگاه مرکز خاتم الانبیا ۳۲۶ میلیارد تومان بودجه گرفته‌اند. بودجه "استان مقدس امام خمینی" ۳۶ درصد، نماینده ولی فقیه در سپاه ۱۱ درصد، جهاد دانشگاهی ۲۹ درصد و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۲ درصد افزایش یافته است. ده‌ها موسسه و نهاد مذهبی وانگل مانند "جامعه المصطفی العالمیه"، موسسه نشر آثار خمینی، صندوق مشارکت توسعه فرهنگ قرآنی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ستاد مرکزی راهیان نور، شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان و ده‌ها نهاد و دکان ریز و درشت دیگر هر ساله صدها میلیارد تومان بودجه می‌گیرند.

روشن است که تا این دکان‌های رنگارنگ و حفزه‌های عمیق پر نشدنی هست، چیزی نصیب آموزش و پرورش و بهبود نسبی وضعیت آن نخواهد شد و کم و کیف تحصیل و آموزش کودکان و وضعیت ساختمان مدارس و کلاس‌های درس بدتر نیز خواهد شد.

ایرنا مورخ ۱۲/۱۰/۹۷ می‌نویسد "دولت اعلام کرده است ۳۰ تا ۶۰ درصد مدارس فرسوده هستند. ۳۰ درصد کاملاً تخریبی است و ۳۰ درصد هم نیاز به بازسازی دارد". به گزارش خبرگزاری مهر (سوم اردیبهشت ۹۷) تنها استان محروم سیستان و بلوچستان ۱۱ هزار کلاس و ۱۲ هزار و ۶۰۰ معلم کمبود دارد. معضلات آموزش و پرورش یکی دو تا نیست. تراکم تعداد دانش‌آموز در کلاس‌های درس بسیار بالا و بین ۳۵ تا ۴۰ نفر است. ۹۶ هزار کلاس درس نیاز به مقاوم سازی دارند. ۱۷۰۰ کلاس درس در کانکس برگزار می‌شود. به‌رغم آن‌که دولت

در صفحه ۷

این روند باشد که این هم بیشتر در میان خانواده‌های فقیر و محروم می‌تواند معنی داشته باشد.

از دواج کودکان برای مثال، موجب ترک تحصیل آن‌ها می‌شود که این پدیده ازدواج زود هنگام، بیشتر در میان دختران رایج است. رضوان حکیم زاده، معاون امور ابتدایی وزیر آموزش و پرورش می‌گوید "۵۰ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه در استان‌های مرزی به دلایل مختلف، از جمله ازدواج زود هنگام ترک تحصیل می‌کنند".

اساس مساله اما این است که دولت جمهوری اسلامی نسبت به سرنوشت کودکان و تحصیل آن‌ها بی‌تفاوت است. معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد پدیده بازماندگی از تحصیل و راه حل آن می‌گوید "قرار است کمیته امدادو به‌زیستی بررسی کنند که اگر علت فقر باشد، نهادها و موسسات خیریه آن‌ها را تحت پوشش بگیرند!"

به عبارت دیگر، دولت در برابر تحصیل کودکان و آینده آنان و بازماندگان از درس و مدرسه بی‌وظیفه است، راهکار و وظیفه‌ای اگر هست برعهده سازمان‌های خیریه است. رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش نیز تقریباً همین حرف را اما با لحن و کلمات دیگری بیان می‌کند و می‌گوید؛ در معاونت آموزش ابتدایی، کمیته‌ای به نام "کمیته انسداد مبادی بیسواد" تشکیل شده که در تمام استان‌ها موضوع جذب بازماندگان از تحصیل را پیگیری می‌کند که آن‌ها را به مدرسه بازگرداند. وی در مورد علت بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان و راه حل آن می‌گوید؛ سازمان‌های بیرونی (منظور غیر از دولت است مانند سازمان‌های خیریه و افراد "خیر") می‌توانند در این زمینه تسهیل‌گر باشند مخصوصاً زمانی که دلیل بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان بخاطر مشکلات معیشتی و اقتصادی است!"

این است همه توجه و راهکار معاونت آموزش و پرورش نسبت به پدیده بازماندگان از تحصیل! تمام هنر معاونت آموزش ابتدایی به این خلاصه شده است که کمیته‌ای به نام "کمیته انسداد مبادی بیسواد" تشکیل دهد تا موضوع جذب بازماندگان از تحصیل را پیگیری کند و اگر علت بازماندگی فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی دانش‌آموز باشد، سازمان‌های خیریه آن مشکل را رفع و رجوع کند تا آن‌ها به مدرسه بازگردند و بدین وسیله "مبادی بیسواد" توسط کمیته نامبرده "مسدود" شود! بدون آن‌که البته یک ریال از جیب دولت هزینه شود!

واقعیت آن است که ارتجاع حاکم قبل از آن‌که در فکر کودکان و تحصیل و آینده آن‌ها باشد، در فکر غارت ثروت‌های اجتماعی و گستراندن دین و مذهب و تحکیم نهادهای دینی و مذهبی است. دولت اسلامی اگر در اختصاص هزینه برای آموزش و تحصیل کودکان و اختصاص بودجه به آموزش و پرورش بسیار صرفه‌جویی و امساک می‌کند، در عوض اما در اختصاص بودجه به

خواندن و نوشتن ندارند. در اثر سیاست‌های ارتجاعی رژیم بویژه در زمینه خصوصی‌سازی آموزش و پرورش صدها هزار تن از واجدین شرایط تحصیل، از مدرسه و آموزش و پرورش بازمانده‌اند. صدها هزار تن از کودکان هرگز نتوانسته‌اند وارد مدرسه شوند و صد هزار تن دیگر به اجبار مدرسه را ترک کرده‌اند و میلیون‌ها تن دیگر حتی از حداقل سواد خواندن و نوشتن محروم‌اند.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که اسفند ۹۷ انتشار یافت، آمار بازماندگان از تحصیل بسیار بیشتر از آمار است که وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده است. برپایه این گزارش بیش از یک میلیون و ۷۳۸ هزار نفر از جمعیت "لازم‌التعلیم" کشور (گروه سنی ۱۷ - ۶ سال) از تحصیل بازمانده‌اند. این آمار البته غیر از افراد بدون شناسنامه است. براساس همین گزارش از این تعداد، حدود ۴۰۸ هزار نفر از کودکان ۹ - ۶ ساله‌اند که از این تعداد نزدیک به ۲۴۱ هزار نفر هیچ‌گاه به مدرسه نرفته‌اند و مابقی (۱۶۷ هزار نفر) ترک تحصیل کرده‌اند. همچنین در گروه سنی ۱۴ - ۱۰ سال، حدود ۲۴۵ هزار نفر بیرون از مدرسه هستند که از این تعداد بیش از ۷۴ هزار نفر تاکنون مدرسه نرفته‌اند.

اگرچه آمار واقعی محرومان و بازماندگان از تحصیل، از این هم فراتر است، اما همین ارقام نیز از وضعیت اسفناک آموزش و پرورش پرده برمی‌دارد و گویای گسترش فقر و محرومیت و نداری در میان میلیون‌ها خانواده است که قادر نیستند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند یا اگر فرزندانشان راهی مدرسه می‌شوند، پس از چند سال درس و مدرسه را به اجبار ترک می‌کنند و راهی کار و خیابان می‌شوند تا با دست‌های کوچکشان، نانی بدست آرند و کمک خرج والدین خویش باشند.

علل بازماندن از تحصیل کودکان و یا ترک تحصیل آن‌ها به قدری روشن است که حتی مقامات رسمی حکومتی نیز گاه به آن اعتراف می‌کنند. برای مثال، معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این مورد می‌گوید؛ ۳۷۰۰ کودک به دلیل فقر به مدرسه نرفتند و ۱۷۰۰ کودک فوت شدند.

آمار بازماندگان از تحصیل در حال افزایش است. خصوصی‌سازی نقش مهمی در این مورد داشته است. با گسترش خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، مدارس پول‌های هنگفتی تحت عناوین مختلف، از والدین دانش‌آموزان می‌گیرند. در برخی مدارس حتی هزینه آب و برق و گرما یا هزینه تعمیرات ساختمان مدرسه و امثال آن را نیز از والدین می‌گیرند.

با گسترش فقر و نداری در میان مردم، بسیاری از خانواده‌ها قادر به پرداخت این هزینه‌ها نیستند و کودکان همین خانواده‌ها هستند که از تحصیل باز می‌مانند. فقر اقتصادی عامل درجه اول از یاد بازماندگان از تحصیل است و البته فقر فرهنگی و تعصبات نیز می‌تواند از عوامل دیگر

## سیر قهقرایی آموزش و تحصیل در مدارس و ضرورت به زیر کشیدن قهری نظم موجود



بسیاری از مدارس را به فروش رسانده و به بخش خصوصی واگذار نموده است، اما حتا درآمد حاصل از آن را نیز صرف آموزش و پرورش نکرده و به کسری‌های دیگر اختصاص داده است. وضعیت آموزش و پرورش از هر جهت وخیم و اسفناک است.

بیهوده نیست که ۴۰ سال بعد از حاکمیت جمهوری اسلامی هنوز میلیون‌ها تن از مردم ایران از سواد معمولی و خیلی ابتدایی در حد خواندن و نوشتن محروم‌اند. علی‌رضا رحیمی نماینده مجلس در این مورد می‌گوید؛ ۱۳ درصد از جمعیت کشور بی‌سوادند. وی از قول مسئولان سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرد، ۹/۵ میلیون نفر بیسواد در سنین مختلف وجود دارد که ۳/۵ میلیون نفر آن‌ها بیسواد مطلق به شمار می‌آیند. اما رئیس سازمان نهضت سوادآموزی در تازه‌ترین آماري که ارائه نموده اعلام کرده است، در کشور ۹ میلیون بی‌سواد مطلق و ۱۱ میلیون کم‌سواد وجود دارد.

وضعیت تحصیل و آموزش کودکان و نوجوانان تا بدان حد افتضاح است و به قهقرا رفته است که در حال حاضر، نرخ جمعیت بیسواد در جمهوری اسلامی، حتا از کشورهایی نظیر ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و فرقیستان هم وخیم‌تر و بدتر است.

نیازی به گفتن نیست که با ادامه حیات ننگین جمهوری اسلامی، وضعیت آموزش و تحصیل کودکان باز هم بدتر و وخیم‌تر خواهد

## کمیته‌های مردمی ارزیابی خسارات را تشکیل دهیم

بسیاری از آنان منفورند. این تنها یک نمونه از نمونه‌های پرشماری است که ثروت مردم ایران در خدمت اهداف پان‌اسلامیستی و توسعه‌گرایانه رژیم جمهوری اسلامی صرف شده است، و اکنون سپاه با بی‌شرمی تمام آن را به رخ سیل‌زدگان می‌کشد. این نمونه‌ها نه تنها در خارج از کشور، بلکه در داخل کشور نیز بی‌شمارند. آخوندها و فیضیه‌ها و آستان‌های قدس و نمایندگان مجلس و وزرا و مسئولین دولتی و نظامی و امنیتی، همه و همه از بالا تا پایین. آیا در شرایطی که صدها هزار نفر آواره و بی‌خانمان شده‌اند، رژیم حاضر است اندکی از بودجه‌های این مراکز تحقیق و سرکوب را بکاهد و آن را برای بازسازی و معیشت سیل‌زدگان هزینه کند؟ آیا سران رژیم حاضرند از بخشی از حقوق‌های کلان و ثروت‌های حاصل از دزدی و اختلاس خود را به سیل‌زدگان اختصاص دهند؟ با توجه به تجربه ۴۰ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی، پاسخ منفی است.

پس در این راه، رژیم می‌کوشد خسارات وارده را طبقه‌بندی نکند، تا معلوم نشود چه بخشی از هزینه لازم به مردم و چه بخش به بازسازی زیرساخت‌ها تعلق می‌گیرد. می‌کوشد خسارات مردم را تا حد ممکن کم ارزیابی کند تا از بودجه لازم برای آن بکاهد. می‌کوشد تا حد ممکن از جبران خسارات مردم در همان حدی که خود ارزیابی می‌کند، ظرفه برود. می‌کوشد خسارات را در قالب وام بپردازد تا سیل‌زدگان با بازپرداخت وام‌ها و بهره آن‌ها، منبع درآمد دیگری برای دولت شوند.

از این‌رو، مردم باید از همین امروز ابتکار عمل را به دست بگیرند. در محله‌ها، شهرها و روستاها، کمیته‌های ارزیابی خود را تشکیل دهند تا خسارات مالی وارده به افراد را ارزیابی کنند. این کمیته‌ها بایستی دولت را وادارند خسارات را با توجه به نرخ تورم و هزینه‌های لازم برای بازسازی خانه و تهیه مجدد لوازم زندگی ارزیابی کند و بپردازد. جبران خسارات بایستی بلاعوض باشند. علاوه بر آن، باید هزینه معیشت مردمی که بیکار گشته‌اند، در این ارزیابی‌ها منظور و پرداخت شود. این امر نباید به دولتی غارتگر و جنایتکار و ضد مردمی واگذار شود که هیچ‌گاه به فکر رفاه مردم نبوده و نیست.

اگر سیل‌زدگان امروز به امدادهای مردمی نیازمندند، اما به همان اندازه لازم است پس از فروکش سیل به دست فراموشی سپرده نشوند، نباید اجازه داد نیروهای سرکوب رژیم از جمله سپاه و نیروهای امنیتی - اطلاعاتی و قوه قضاییه اعتراضات آنان را خاموش سازند. بر کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم است که از اعتراضات و مبارزات این مردم فاجعه‌دیده حمایت کنند، اعتراضات و مبارزاتی که از همین امروز آغاز شده‌اند. این نیز بخشی از مبارزه جاری علیه طبقه حاکم است. بخشی از مبارزه برای سرنگونی رژیمی که هر روز از عمرش همراه است با مصیبتی دیگر برای توده مردم.

شد. سیاست‌های ارتجاعی رژیم، گسترش فقر و نداری و بیکاری در میان کارگران و اقشار ضعیف و تهیدست و کم‌درآمد جامعه، محرومیت کودکان از مدرسه و تحصیل را بیش از این دامن خواهد زد و پدیده بازماندگی از تحصیل نیز به حیات خود ادامه خواهد داد. هم اکنون نیز با توجه به خرابی‌های سیل اخیر در چندین استان کشور و نقش تماشگر دولت سرکوبگر جمهوری اسلامی، مشکلات کمبود کلاس و مدرسه و تحصیل کودکان و دانش‌آموزان به مراتب بیشتر شده است.

برای بهبود وضعیت آموزش و پرورش، برای مقابله جدی با پدیده محرومیت و بازماندگی کودکان از تحصیل و مدرسه، قیل از هر چیز باید رژیم ارتجاعی حاکم را سرنگون کرد و آن را با تمام نهادها و حشو و زوائدش داغان کرد. تنها با سرنگونی نظم موجود، خوردکردن تمام دستگاه دولتی و برقراری یک حکومت شورایی‌ست که می‌توان یک نظام آموزشی پیشرو و مترقی را به اجرا گذاشت. حکومتی که در آن آموزش و تحصیل تا پایان دوره متوسطه رایگان و اجبای است و تمام دانش‌آموزان از غذا و پوشاک و وسائل تحصیل و ایاب و ذهاب به هزینه دولت برخوردار خواهند بود. حکومت شورایی با دگرگونی بنیادی و انقلابی نظام آموزشی موجود و با انجام یک رشته اقدامات فوری، در یک پیکار انقلابی، بی‌سودی را برای همیشه ریشه‌کن خواهد کرد.

**پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر**

## چشم‌انداز اوضاع اقتصادی تیره‌وتار است

نرخ بیکاری که لازمه مرحله رونق است، دیده نمی‌شود، بالعکس همواره نرخ و کمیت بیکاران افزایش یافته و بهرغم رکود اقتصادی، تورم دورقمی نیز پیوسته به حیات خود ادامه داده است.

آنچه که اکنون شاهد آن هستیم، رکود بسیار عمیقی است که نمونه آن را در این ابعاد در گذشته نداشته‌ایم. در واقعیت، به‌جز برخی رشته‌ها از نمونه پتروشیمی و معدن، تولیدات بخش زیادی از مؤسسات تولیدی به‌شدت کاهش یافته و برخی کارخانه‌ها نیز به‌کلی تعطیل شده‌اند. مؤسسات رسمی دولتی هنوز آماری در مورد فعالیت مراکز تولیدی کوچک و بزرگ برای سال‌های ۹۶ و ۹۷ که اوج بحران اقتصادی است ارائه نداده‌اند. اما مرکز آمار ایران چند روز پیش گزارشی از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر را در سال ۱۳۹۵ انتشار داد که نشان می‌دهد تعداد کارگاه‌ها از ۳۳۴۶۲ در سال ۱۳۹۴ به ۳۱۳۰۹ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. یعنی کاهش ۴ / ۶ درصدی در طول دو سال اخیر نیز صدها واحد تولیدی تعطیل شده‌اند. به‌ویژه در یک سال گذشته گزارش‌های متعددی از تعطیل کارخانه‌ها یا کاهش تولیدات آن‌ها در نتیجه رکود، نیاز به مواد خام و کالاهای واسطه‌ای، مشکلات مالی انتشار یافته است. بخش مسکن که همواره عامل مهمی برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود و محرکی برای فعالیت تعدادی از مؤسسات صنعتی است، اکنون چندین سال است که در رکود کامل به سر می‌برد. کالاهای بسیاری از واحدهای صنعتی به‌ویژه لوازم‌خانگی در پی افزایش شدید نرخ ارز و جهش قیمت‌ها، فروش نرفته در انبارها باقی مانده‌اند.

تولید نفت نیز در پی تحریم‌های دولت آمریکا، در مقایسه با سال گذشته بیش از یک‌میلیون بشکه در روز کاهش داشته است. بر اساس گزارش اوپک، حجم تولید نفت ایران در یک سال گذشته از سه میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز در دوران قبل از تحریم‌ها، به حدود دو میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است. در این شرایط نه‌تنها سرمایه‌گذاران کلان بین‌المللی جدیدی هم صورت نگرفته، بلکه با توجه به بی‌ثباتی اوضاع سیاسی و تحریم‌ها، آنچه نیز که وجود داشت، تعطیل شده است.

عوامل متعددی را برای این تشدید رکود می‌توان برشمرد. از نیازهای مؤسسات تولیدی به مواد خام و کالاهای واسطه‌ای تا مشکل نقدینگی، از تأثیرات کاهش روزافزون ارزش پول کشور تا تنزل شدید قدرت خرید مردم، از نرخ بالای بهره بانکی

تا مشکلات نقل و انتقال مالی و مبادلات بین‌المللی در نتیجه تحریم، از بی‌ثباتی اوضاع سیاسی تا نرخ بالای سود در فعالیت‌های تجاری و بورس‌بازی و سرانجام اصرار طبقه حاکم بر ادامه سیاست اقتصادی نئولیبرال.

تلاش رژیم برای ایجاد تحرک در واحدهای تولیدی از طریق حمایت‌های مالی یا ممنوعیت واردات تعدادی از کالاها نیز هیچ‌یک جواب نداده است. در طول متجاوز از یک سال گذشته بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات در اختیار واحد تولیدی صنعتی و کشاورزی قرار گرفت، واردات ۱۴۰۰ کالا ممنوع شد، معافیت‌های گمرکی برای سرمایه‌داران قائل شدند، اما معضل حل نشد. به بهانه تأمین کالاهای اساسی ۱۴ میلیارد دلار با نرخ ۴۲۰۰ تومان در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت، آن‌هم چاره‌ساز مشکلات نبود. بازار ارز همچنان متلاطم است. دلار در یک روز نزدیک به هزار تومان افزایش می‌یابد. بهای طلا و سکه پیوسته در حال افزایش است. تمام عرصه‌های اقتصاد با نابسامانی و از هم‌گسیختگی مواجه‌اند. توأم با رکود و بحران اقتصادی، یک بحران مالی نیز شکل گرفته است. ورشکستگی پی‌درپی تعدادی از مؤسسات مالی در دو سال گذشته بازتاب این بحران مالی است. بانک‌ها نیز عموماً ورشکسته‌اند و تنها با حمایت دولت و بانک مرکزی به حیات خود ادامه می‌دهند.

تصمیم به ادغام بانک‌های وابسته به نیروهای مسلح با بدهکاری کلان در بانک سپه، نمونه دیگری از این ورشکستگی و بحران مالی است. دولت نیز خود با ورشکستگی مالی مواجه است. کسری بودجه دولت تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. دولت مبالغ کلانی به بانک‌ها بدهکار است. میزان بدهی دولت به بانک‌ها تا زمستان سال گذشته به ۲۹۷ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. اصل و بهره بدهی دولت از بابت اوراق قرضه به ده‌ها میلیارد تومان رسیده است. با کاهش شدید درآمدهای دولت از نفت نه‌تنها پروژه‌های دولتی متوقف و رکود تشدید شده است، بلکه رژیم حتی قادر به تأمین هزینه‌های کلان دستگاه دولتی نیست. دولت ساده‌ترین راه را برای تأمین مخارج خود، انتشار اسکناس‌های بی‌پشتوانه‌ای یافته است که مدام ارزش پول رسمی کشور را کاهش داده و اکنون نرخ تورم ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. مرکز آمار نرخ تورم یک‌ساله را ۲۶ / ۹ درصد و افزایش بهای کالاها را در اسفند سال ۹۷ در مقایسه با اسفند ۹۶، ۵

۴۷ / درصد اعلام کرده است. نرخ تورم یک‌ساله اعلام‌شده مرکز آمار، فرسنگ‌ها از نرخ تورم واقعی فاصله دارد. حتی اقتصاددان‌های وابسته به رژیم، نرخ تورم یک سال گذشته را بیش از ۵۰ درصد ارزیابی کرده‌اند. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه کمی به حقیقت نرخ تورم یک سال گذشته نزدیک‌تر است. بر طبق این آمار، هزینه هر خانوار در اسفند سال ۹۷ نسبت به اسفند سال ۹۶، ۵ / ۴۷ درصد برای تأمین نیازهای خود افزایش داشته است. اما مطابق همین گزارش، بهای کالاهای اساسی موردنیاز روزمره مردم گاه تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. آنچه در گزارش‌های مرکز آمار جلب توجه می‌کند افزایش حیرت‌آور خوراکی‌ها و آشامیدنی‌هایی است که هم‌روزه مردم با آن‌ها سروکار دارند و افزایشی بیش از ۷۳ درصد را نشان می‌دهند.

گوشت گوسفند ۴ / ۱۳۵ درصد، گوشت گاو یا گوساله ۴ / ۱۲۴ درصد، مرغ ماشینی ۹ / ۱۰۵ درصد، قند ۶ / ۶۶ درصد، شکر ۵ / ۷۸ درصد، شیر پاستوریزه ۳ / ۶۷ درصد، ماست پاستوریزه ۷ / ۵۶ درصد، پنیر پاستوریزه ایرانی، ۸ / ۵۰ درصد، کره پاستوریزه ۷ / ۳۶ درصد، روغن مایع ۴ / ۴۵ درصد، برنج داخلی ۵ / ۲۳ درصد، برنج خارجی ۵ / ۴۱ درصد، گوجه‌فرنگی ۳ / ۱۰۳ درصد، سیب‌زمینی ۸ / ۱۰۵ درصد، پیاز ۷ / ۱۰۶ درصد، رب گوجه‌فرنگی ۲۴۲ درصد، پرتقال داخل ۸ / ۹۰ درصد، خیار ۱ / ۹۷ درصد، سیب‌درختی زرد ۶ / ۱۴۰ درصد، موز ۶ / ۱۲۳ درصد.

اگر دخانیات را که در همین فاصله ۱۲۵ درصد افزایش یافته است و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و گروه پوشاک و کفش را با ۵۵ درصد و مسکن را با بیش از ۳۰ درصد افزایش در نظر بگیریم، تردیدی نیست که هزینه‌های کارگران و زحمتکشان در سال ۹۷، حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است. در مورد وسایل خانگی هم که ۳ / ۷۸ درصد افزایش داشته جای بحث نیست، چراکه خرید وسایل چندمیلیونی، دیگر از عهده توده‌های کارگر و زحمتکش خارج است.

در آغاز کار کابینه روحانی، حجم نقدینگی، مبلغ ۴۷۳ هزار میلیارد تومان بود؛ اما این رقم اکنون به ۲ تریلیون تومان افزایش یافته است. این حجم عظیم نقدینگی که ۹۰ درصد آن در دست گروه کوچک ۱۰ درصدی ثروتمندان متمرکز شده است، خود یکی از عوامل افزایش نرخ تورم و تشدید رکود است.

در همین چند روزی که از سال جدید می‌گذرد، بهای برخی کالاها از نمونه پیاز و در صفحه ۹



## چشم‌انداز اوضاع اقتصادی تیره‌وتار است

گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی یکسره افسارگسیخته و به‌رغم این‌که قاعداً پس از تعطیلات نوروزی باید بهای کالاها کاهش یابد، آنچه رخ داده بازهم افزایش بهای آنهاست. دولت نیز در حال افزایش کالاها و خدمات انحصاری خود است. بهای آب و برق از هم اکنون بین ۷ تا ۲۳ درصد افزایش یافته است.

نقش دولت در این گرانی کالاها نیز غیرقابل‌انکار است. سال گذشته دولت مبلغ ۱۴ میلیارد دلار را با نرخ ۴۲۰۰ تومان برای تأمین ۲۵ قلم کالاهای اساسی اختصاص داد. اکنون اما دولت اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای گوشت حذف کرده و قرار است برای بقیه ۲۵ قلم کالا نیز حذف کند. حذف ارز دولتی تعلق‌گرفته به گوشت و تأمین نیاز گوشتی با ارز نیمایی، نخستین اقدام دولت برای حذف کامل ارز ۴۲۰۰ تومانی است. نوبخت رئیس سازمان برنامه‌بودجه روز ۲۰ فروردین خبر داد حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی که برای تأمین ۲۵ قلم کالاهای اساسی اختصاص داده‌شده بود در دستور کار قرار گرفته است.

رئیس سازمان برنامه‌بودجه گفت: "باید قبول کنیم که شیوه کنونی پرداخت ارز ۴۲۰۰ (تومانی) به کالاهای اساسی درست نیست و این منافع به دست مردم نمی‌رسد؛ بنابراین بحث تغییر این روند مطرح است اما هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌ایم." اما او تأکید کرد که پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالای اساسی «گوشت قرمز» لغو شده است.

وی ادامه داد: "برای نمونه گوشت قرمز از جمله اقلامی که برای واردات ارز ۴۲۰۰ تومانی پرداخت می‌شد اما شاهد بودیم که قیمت گوشت به دلیل خروج دام و نبود نظارت کافی کاهش نیافت و مردم از پرداخت یارانه بهره‌ای نبردند. براین اساس به این جمع‌بندی رسیدیم که اگر واردات گوشت با ارز نیمایی باشد قیمت آن کاهش می‌یابد. از محل واردات گوشت با ارز نیمایی ۵۰ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان ارز صرفه‌جویی می‌شود."

وی البته افزود: "سازوکار دولت این است که این مبلغ را در اختیار مردم قرار دهیم اما اینکه به واردکننده بدهیم یا به‌صورت کالابریگ الکترونیکی و شکل‌های دیگر باشد هنوز به جمع‌بندی نرسیده‌ایم."

این‌که به دست مردم می‌رسد، یک افسانه است، همان‌گونه که از اختصاص ارز دولتی هم جز گرانی چیزی عاید توده زحمتکش مردم نشد. این فقط سرمایه‌داران و دزدان

فقیرتر شدند. حداقل دستمزد یک میلیونی سال ۹۷ کارگران عملاً به کمتر از ۵۰۰ هزار تومان کاهش یافت. وقتی‌که روحانی به قدرت رسید حداقل دستمزد ماهانه کارگران ۴۰۰ دلار بود. اکنون در نخستین ماه سال ۱۳۹۸ به ۱۰۰ دلار کاهش یافته است. در سال جدید نیز این تنزل سطح دستمزد کارگران ادامه خواهد یافت. اما نتیجه این بحران ژرف رکود- توری برای کارگران و زحمتکشان ایران فقط تورم و فقیرتر شدن نبوده است، بلکه اخراج هرچه بیشتر کارگران و افزایش روزافزون بیکاران بوده و خواهد بود.

درحالی‌که مرکز آمار ایران نرخ مسخره ۷ / ۱۱ درصدی را با جمعیتی حدود ۳ میلیون برای بیکاران اعلام می‌کند و صندوق بین‌المللی پول نیز این رقم را در سال گذشته ۴ / ۱۵ درصد و برای سال جدید ۱ / ۱۶ درصد اعلام کرده است، جمعیت بیکاران در ایران به‌طور واقعی رقمی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر است. تشدید رکود در سال جدید نیز بر کمیت جمعیت بیکاران به شکل بی‌سابقه‌ای خواهد افزود. هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع اقتصادی وجود ندارد. هیچ معجزه‌ای نجات‌بخش کارگران و زحمتکشان از فجایع نظم سرمایه‌داری حاکم نیست. یا تشدید فقر و فلاکت یا عزم و اراده به سرنگونی نظم موجود. این گزینه‌ای است که در برابر کارگران و زحمتکشان قرار دارد.

دستگاه دولتی بودند که از بابت این دلارها میلیاردها تومان به جیب زدند. تصمیم کنونی دولت برای کنار گذاشتن ارز ۴۲۰۰ تومانی برای تأمین کالاهای اساسی نیز از همان زمان که مجلس مجوز واردات با نرخ نیمایی را در بودجه صادر کرد، مشخص بود که این‌یک اقدام کوتاهمدت دولتی است و به‌زودی جای آن را نرخ ارز سامانه نیمایی و بهای کالاهای بازار آزاد خواهد گرفت. البته این هم گفته شود که دلار سامانه نیمایی هم بر روی هواست. عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به کشور تا همین امروز هم مشخص شده است. طبق آمارهای رسمی میزان صادرات غیرنفتی در ۱۱ ماهه نخست سال ۹۷، ۴۰ میلیارد دلار بوده که در این دوره تنها ۱۰.۵ میلیارد دلار آن به سامانه نیمه عرضه شده است.

دره‌حال، آنچه رخ خواهد داد افزایش بهای ارزهای بین‌المللی، کاهش ارزش پول داخلی و افزایش بهای کالاها و نرخ توری بالاتر از سال ۹۷ خواهد بود. اقدام جدید رژیم نیز مشکل گرانی را حل نخواهد کرد، برعکس، بهای کالاها را بازهم افزایش خواهد داد. در سالی که گذشت در نتیجه کاهش ارزش ریال و تورم افسارگسیخته، کارگران بیش از نیمی از قدرت خرید خود را از دست دادند و



## حکومت شورائی، آلترناتیو کارگران و زحمتکشان است!

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز ایران!

برای کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت شورائی، مبارزه خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی تشدید کنید.

در یک دولت شورائی، توده‌های کارگر و زحمتکش مستقیماً از طریق شوراها حکومت می‌کنند.

حکومت شورائی عالی‌ترین و کامل‌ترین شکل دمکراسی است.

**در دمکراسی شورائی** سیستم انتصابی مقامات وجود نخواهد داشت و کلیه نهادها، مقامات و مناصب انتخابی است.

**در دمکراسی شورائی** نمایندگان موظفند به موکلین خود حساب پس دهند و هر لحظه که انتخاب کنندگان اراده کنند، می‌توانند آن‌ها را معزول و نمایندگان دیگری را به جای آن‌ها برگزینند.

**در دمکراسی شورائی** حقوق نمایندگان و مقامات دولتی از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر تجاوز نخواهد کرد.

**در دمکراسی شورائی** قضات نیز انتخابی و قابل عزل خواهند بود.

علی‌ترین ارگان دولت شورائی، کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا خواهد بود.

هدف فوری سازمان فدائیان (اقلیت) سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورائی در ایران است.

**کار - نان - آزادی - حکومت شورائی**

## چشم‌انداز اوضاع اقتصادی تیره و تار است

مؤسسات و مراکز مالی انحصارات بین‌المللی که معمولاً ارزیابی خوش‌بینانه‌ای از اوضاع اقتصادی جهان و کشورهای سرمایه‌داری ارائه می‌دهند، از بهبود اوضاع اقتصادی در ایران یکسره قطع امید کرده و جمهوری اسلامی ایران را به قعر لیست کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرتاب کرده‌اند. گزارش‌های جدید بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از رکود و بحران اقتصادی در ایران، گرچه ابعاد وخامت اوضاع اقتصادی را به‌درستی بازتاب نمی‌دهند، اما نقطه‌ی ارزیابی‌شان را از وضعیت اقتصادی ایران در سالی که گذشت مورد تجدینظر قرار داده، بلکه چشم‌انداز تیرموتاری را برای سال جاری میلادی ترسیم می‌کنند.

بانک جهانی کاهش نرخ رشد اقتصادی سال گذشته را منفی ۶/۱ درصد و صندوق بین‌المللی پول منفی ۹/۳ درصد ارزیابی کرده‌اند. برای سال جاری نیز ارزیابی صندوق بین‌المللی پول از

کاهش نرخ رشد اقتصادی، منفی ۶ درصد و بانک جهانی منفی ۸/۳ درصد است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز کاهش نرخ رشد سال گذشته و سال جاری را تا منفی ۵/۵ درصد پیش‌بینی کرده است.

گرچه رشد اقتصادی منفی ۵ تا ۶ درصد در منابع ذکر شده، فی‌نفسه نشان‌دهنده رکودی بسیار عمیق است، اما بازتاب واقعی عمق و گستره بحران اقتصادی موجود نیست. واقعیت این است که بحران اقتصادی در دوران جمهوری اسلامی یک بحران اقتصادی ژرف و ساختاری رکود-تورمی است که همواره در این سال‌ها وجود داشته و هیچ‌گاه از میان نرفته است. آنچه رخ داده، تحت تأثیر درآمدهای نفتی گاه رکود اقتصادی کمی بهبود یافته و یا با کاهش این درآمدها، عمیق‌تر شده است. از همین روست که هیچ‌گاه کاهشی هم در طول تمام این سال‌ها در

درصفا ۸

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 817 April 2019



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورائی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله‌تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰

پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**جمعه: ۲۲ تا ۲۴**

**شنبه: ۲۲ تا ۲۳**

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی